

روش‌شناسی استنباط حکم اخلاقی بر اساس تحلیل فلسفی ارزش‌های اخلاقی

Ali_20750@yahoo.com

علی احمدی امین / استادیار گروه اخلاق، جامعه المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱

چکیده

بر اساس منابع اخلاقی، روش‌های متعددی برای استنباط حکم اخلاقی قابل طرح است. ارزش‌های اخلاقی که از رابطه بین آثار عمل و هدف نهایی اخلاق انتزاع می‌شوند، بیانگر نوعی نسبت در واقعیت‌های خارجی‌اند. در اینجا با تحلیل فلسفی مؤلفه‌های مؤثر در واقعیت ارزش‌های اخلاقی، روش استنباط حکم اخلاقی را به دست می‌آوریم. برای رسیدن به حکم اخلاقی، لازم است پیامدهای عمل اخلاقی را با هدف نهایی اخلاق، لوازم هدف نهایی اخلاق و اهداف میانی که در منظومه‌ای از اهداف انسانی گرد آمده‌اند، سنجید. همچنین با درون‌نگری و روش‌های تشخیصی روان‌شناختی، متعلق نیت فاعل قابل شناسایی است. دیگر اینکه گستره شمولیت آثار عمل در سنجش اخلاقی دخالت دارد. از طرفی دیگر، مطابقت عمل با قواعد عام و خاص اخلاقی مربوط به اجتماع در فهم حکم اخلاقی موثرند. نهایتاً توجه به ارزش‌های متزاحم و تعیین مورد بااهمیت‌تر ما را به حکم اخلاقی قابل اطمینان رهنمود خواهد ساخت.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، روش‌شناسی، استنباط حکم اخلاقی، ارزش اخلاقی، تحلیل فلسفی.

احکام اخلاقی نظری برای موجه شدن، نیازمند توجیه و دلیل هستند. اندیشمند اخلاقی برای مستدل کردن باورهای اخلاقی لازم است روشی قابل اعتماد برگزیند و از روش ارائه شده دفاع کند. در حوزه اخلاق، گستره وسیعی از دیدگاه‌ها ارائه شده که در برخی موارد در جهت مقابل یکدیگرند. از دیدگاهی که امکان توجیه در اخلاقیات را منتفی کرده تا دیدگاه‌های انسجام‌گرا در توجیه و نهایتاً طیفی از دیدگاه‌های مبنی‌گرا، این گستره را تشکیل می‌دهند. برخی از مبنی‌گرایان گزاره‌های پایه اخلاقی را به شهود و وجدان ارجاع داده‌اند (مور، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳-۱۱۴) و دیگری آنها را بدیهی دانسته‌اند (لاهیجی، ۱۳۶۴، ص ۶۱)؛ برخی دیگر با رویکردی استعلایی، گزاره‌های پایه را شرط تحقق احکام اخلاقی تلقی کرده‌اند (سالویان، ۱۳۸۰، ص ۶۲) و دیگری گزاره‌های اخلاقی پایه را اموری عرفی و مشهوری پنداشته‌اند (فرانکنا، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵-۲۱۶) و افرادی همچون علامه مصباح با ارجاع احکام اخلاقی نظری به احکام بدیهی عقل نظری، دست به توجیه آنها می‌زنند (ر.ک: مصباح، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷-۱۱۸).

روش استنباط حکم اخلاقی از منابع اخلاقی متأثر است. روش استنباط حکم اخلاقی از منبع نقلی با روش استنباط آن از منبع عقلی متفاوت است و این دو روش نیز با روش تجربی متفاوتند. ممکن است در یک دیدگاه مانند دیدگاه اسلام، همه این منابع برای استنباط حکم اخلاقی پذیرفته شوند (مصباح، ۱۳۹۸، ص ۲۱۲) و ممکن است برخی دیدگاه‌ها همه منابع را معتبر ندانند. ما در این مقاله تلاش داریم با تأکید بر روش عقلی و با تحلیل فلسفی ارزش اخلاقی، روشی برای استدلال اخلاقی ارائه دهیم. ممکن است در بررسی‌های پیش‌رو با استدلالی مواجه شویم که برخی از مقدمات آن نقلی یا تجربی باشند؛ لکن ما در اینجا به آن بخش از استدلال می‌پردازیم که مربوط به تحلیل فلسفی است. بنابراین، روش استنباط احکام اخلاقی از نقل یا به تعبیری اخلاق استظهاری یا روش‌شناسی تجربی در فهم احکام اخلاقی مدنظر ما نیست.

۱. استنباط حکم اخلاقی با تأکید بر تحلیل فلسفی

شناخت روش برای استنباط احکام اخلاقی بخشی متمایز از بحث‌های معناشناسانه و معرفت‌شناسانه در فرااخلاق است. در عین حال یافتن روش استنباط حکم اخلاقی، متوقف بر معنای مفاهیم اخلاقی و توجیه اخلاقی است. حقایق اخلاقی اموری ماهوی نیستند و مفاهیم ارزشی از سنخ معقولات ثانی فلسفی می‌باشند که با نسبت‌سنجی و لحاظ عقلی انتزاع می‌شوند. استنباط حکم اخلاقی به معنای یافتن حکم ارزشی یک عمل اختیاری در موقعیت خاص است. همان‌طور که بیان شد، در اینجا به دنبال استظهار از متن نیستیم و استنباط موردنظر با توجه به تحلیل فلسفی موقعیت اخلاقی و سنجش عمل اخلاقی با توجه به معیار اخلاق به دست می‌آید.

رسیدن به استنباط حکم اخلاقی روشی می‌طلبد که براساس آن، اندیشمند اخلاقی بداند چه مؤلفه‌هایی را باید رصد کند، چه نسبت‌هایی را بکاود و چگونه به حکم اخلاقی دست یابد. نکته قابل توجه این است که واقعیت‌ارزش

اخلاقی یک امر واحد است که همان نسبت بین نتیجه فعل و هدف اخلاق می‌باشد؛ درعین حال در تحلیل فلسفی مؤلفه‌های دخیل در این نسبت لازم است که هریک از مؤلفه‌ها و نحوه تأثیر آنها جداگانه بحث شود. برای مثال، هدف اخلاق با ارزش اخلاقی متفاوت است؛ اما بررسی آن برای شناخت ارزش‌های اخلاقی ضروری است. بدون شناخت مصداق هدف نهایی و لوازم آن، بسیاری از ارزش‌ها و احکام اخلاقی شناخته نمی‌شوند. فعل اخلاقی نمونه دیگری است که هم با هدف اخلاق و هم با ارزش‌های اخلاقی متفاوت است؛ اما تحلیل فلسفی آن در شناخت ارزش‌های اخلاقی ضروری است. روشن است که فعل اخلاقی با هدف اخلاق متفاوت است و تحلیل فلسفی هریک با دیگری به نتایج متفاوتی رهنمون می‌شود. به بیان دیگر، شناخت و تحلیل فعل اخلاقی، شناخت قیود موضوع گزاره اخلاقی یا موقعیت اخلاقی است و شناخت هدف اخلاقی، بخشی از معنای محمولات اخلاقی را نمایان خواهد ساخت. در ادامه، مؤلفه‌های دخیل در حکم اخلاقی را تحلیل کرده، روش قابل قبول را تبیین می‌کنیم.

۲. ارزش‌سنجی فعل اخلاقی با استفاده از مقدمات تحلیلی

برخی از احکام اخلاقی از سنخ گزاره‌های تحلیلی‌اند به این معنا که محمول اخلاقی در موضوع اخلاقی اشراب شده است؛ به طوری که یا جزئی از معنای آن است یا از لوازم غیرقابل انفکاک و بین آن می‌باشد (زادیوسفی و حسینی، ۱۳۹۲) برای مثال، گزاره «العدل حسن^۱»، اگر عدل به معنای «وضع الشیء فی موضعه الحسن» باشد، گزاره‌ای تحلیلی است. علامه مصباح در این باره می‌فرماید: «به نظر ما، حسن عدالت و لزوم رعایت آن، در ادراکات عملی، از جمله قضایای تحلیلی است و راز بدیهی بودنش نیز در تحلیلی بودن آن نهفته است» (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۲۸). این گزاره به جهت تحلیلی بودن، بدیهی است؛ اما به همان جهت، امکان شناسایی مصادیق خود را ندارد. اندیشمند اخلاقی که حکم اخلاقی یک واقعه خاصی را استنباط می‌کند، نمی‌تواند به این گزاره بسنده کند؛ هرچند می‌تواند از این گزاره در کبرای یک قیاس منطقی بهره‌برد. صغرای قیاس ممکن است از روش عقلی یا نقلی یا هر روش دیگری به دست آید و قیاسی با کبرای تحلیلی موردنظر شکل دهد. قیاس موردنظر عبارت است از:

مقدمه اول: الف مصداق عدل است؛

مقدمه دوم: عدل نیکوست؛

بنابراین: الف نیکوست.

مثال دیگر برای گزاره‌های تحلیلی در اخلاق، این گزاره است: «طاعت و بندگی خداوند متعال موجب تقرب به خداوند است با توجه به معیار مورد قبول در اخلاق، حُسن فعل به نسبت آن با قرب الهی سنجیده می‌شود. با توجه به اینکه میان طاعت و بندگی الهی و تقرب به او تلازم وجود دارد، می‌توان محمول این گزاره اخلاقی را از لوازم موضوع آن دانست و آن را تحلیلی ارزیابی کرد. بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد:

مقدمه اول: الف مصداق بندگی است؛

مقدمه دوم: بندگی موجب تقرب به خداوند است؛

بنابراین: الف موجب تقرب به خداوند است.

همچنین می‌دانیم که آنچه موجب تقرب به خداوند می‌شود، به جهت اخلاقی نیکوست؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که اطاعات و بندگی خداوند متعال اخلاقاً نیکوست. باید توجه داشت که این گزاره نیز هیچ مصداقی از مصداقی خود را نشان نمی‌دهد. برای مثال، نمی‌توان نماز یا روزه یا هر فعل دیگری را به‌طور مطلق مصداق عبادت دانست؛ زیرا ممکن است همین افعال در برخی مصداقیش مصداق معصیت و عدم بندگی باشد.

لازم به ذکر است که گزاره‌های تحلیلی توتولوژیک یا این‌همانی مفهومی صرف نیستند. این گزاره‌ها فاقد محتوا نیستند و هریک بینشی دربارهٔ ویژگی‌های افعال ارزشمند اخلاقی به ما می‌دهند و به همین جهت با داشتن گزاره‌های تحلیلی و یافتن مصداقی موضوعات این گزاره‌ها می‌توان به استنباط حکم اخلاقی دست زد.

۳. ارزش‌سنجی فعل اخلاقی با تحلیل فلسفی هدف اخلاق

هدف اخلاق رسیدن به سعادت و کلویدن راه وصول به بالاترین خیر و کمال اختیاری فاعل اخلاقی است. در جای خویش ثابت شده که مصداق بالاترین کمال اختیاری انسان، قرب و نزدیکی به کامل‌ترین موجود، یعنی خداوند متعال است که مطلوب و هدف نهایی اخلاق می‌باشد (رک: مصباح، ۱۳۹۸، ص ۱۶۱). اگرچه مفاهیمی چون قرب الهی و کمال اختیاری از سنخ مفاهیم ارزشی و اخلاقی نیستند، اما از تحلیل فلسفی آنها می‌توان به مفاهیمی اخلاقی دست یافت. این مفاهیم که حکایتگر ویژگی‌ها و صفات وجودی انسان کامل و فرد قریب هستند، ارزش اخلاقی دارند.

قرب وجودی فاعل شناسا به موجود مطلق، به لحاظ فلسفی قابل تحلیل است. فاعل شناسا در بالاترین درجهٔ قرب، به بالاترین درجهٔ معرفت حضوری و عشق و محبت به او نائل می‌گردد. بنابراین بالاترین درجهٔ علم حضوری به کمال مطلق و بالاترین درجهٔ محبت به او، دو ویژگی قابل شناسایی از هدف نهایی اخلاق‌اند. همچنین اگر «ایمان» به آمیخته‌ای از شناخت و گرایش تعریف شود، آن‌گاه از تحلیل این دو ویژگی بینشی و گرایشی می‌توان به مفهوم ایمان منتقل شد و به این ترتیب پا به عرصهٔ مفاهیم اخلاقی باز خواهد شد. می‌توان گفت، بالاترین درجهٔ ایمان، وصفی از غایت نهایی اخلاقی است و طبیعتاً با تحلیل مفهوم ایمان و یافتن لوازم آن، به ویژگی‌های هدف اخلاق شناختی بهتر خواهیم یافت. علامه مصباح در تبیین اهمیت ایمان و اعتقادات می‌فرماید: «در مورد اهمیت ایمان و عقاید، همین بس که براساس دیدگاه اسلامی، ماهیت و حقیقت وجودی هر کس تابع عقاید اوست» (مصباح، ۱۳۸۰، ص ۱۶).

انسان کامل در بیان عرفانی و اخلاقی گویای همان انسان فضیلت‌مندی است که شناخت ویژگی‌های وجودی او ما را در شناخت هدف اخلاق یاری می‌کند. شناخت ویژگی‌های انسان کامل، از روش‌های متعددی همچون نقل، عقل و شهود ممکن است و با داشتن تبیینی روشن و تفصیلی از ویژگی‌های هدف اخلاق و منش انسان کامل، امکان سنجش اعمال اخلاقی فراهم خواهد شد.

۴. ارزش‌سنجی فعل اخلاقی در تناسب با اهداف میانی

انسان برای رسیدن به هدف نهایی خویش لازم است اهداف متعددی در زندگی دنیایی و اجتماعی را تأمین کند. هر کدام از این اهداف میانی می‌توانند ملاک و معیاری باشند که در استنباط حکم اخلاقی به کار گرفته شوند. گاهی عدم تأمین نیازهای فردی و اجتماعی مانعی در رسیدن به هدف اخلاقی خواهند بود. فرض کنید برای رسیدن به معرفت الهی به نظامی برای یادگیری و تربیت افراد نیازمند باشیم؛ در این صورت، تلاش برای احداث چنین نظامی، به جهت اخلاقی پسندیده و مطلوب خواهد بود.

اهداف میانی را می‌توان به دو بخش اهداف فردی و اهداف جمعی تقسیم کرد. همچنین اهداف فردی را می‌توان به اقسام و سطوحی تقسیم کرد که در این زمینه می‌توان از تحقیقات میان‌رشته‌ای، همچون روان‌شناسی، استفاده کرد. سطوح نیازهای مزلو/مازلو (۱۳۷۲، ص ۹۲) یا دیدگاه‌های انتقادی به آن (مروتی و همکاران، ۱۳۹۲؛ شکوری و همکاران، ۱۳۹۹) می‌توانند بینشی به نیازهای فردی، از نیازهای اولیه تا شکوفایی وجودی، ارائه کنند. اهداف جمعی نیز قابل دسته‌بندی و نظام‌مندسازی هستند. از اهداف کلان سیاسی تا حقوقی و اقتصادی در حوزه‌های مختلف آموزشی، درمانی، رفاهی و مانند آن، از جمله این اهداف‌اند.

نکته مهم در خصوص اهداف میانی، لزوم داشتن شاخص برای تحدید اهمیت و ارزش آن است. انسان در این دنیا لازم است ابتدا نیازهای اولیه خویش همچون خوراک و پوشاک را تأمین کند؛ اما جای این سؤال هست که پرداختن به این امور تا چه میزانی مطلوب است. بهره‌مندی از نعمت‌های الهی در دنیا می‌تواند مقدمه‌ای برای رسیدن به اهداف متعالی گردد؛ همان‌طور که می‌تواند عاملی برای ایستایی و حتی دوری از رشد و کمال انسانی باشد. تفریح، لذت‌های دنیایی، ورود به فعالیت‌های اجتماعی و تأمین نیازهای فردی و اجتماعی، همگی تا آنجا مطلوب‌اند که مسیر هدایت را تسهیل و تسریع کنند؛ در غیر این صورت، به جهت اخلاقی یا بی‌ارزش‌اند یا ضدارزش. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «عَنْ أَبِي دَرٍّ فِي حَدِيثٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَعْلُوبًا أَنْ تَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صُنْعَ اللَّهِ إِلَيْهِ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحِظِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِيَلِكَ السَّاعَاتِ وَ اسْتِجْمَامٌ لِقُلُوبٍ وَ تَفْرِیحٌ لَهَا» (صدوق، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۳۴)؛ بر عهده شخص عاقل است که اگر ضعیف و ناتوان نباشد، برای او ساعتی باشد: ۱. ساعتی که در آن با ربِّ خود مناجات کند؛ ۲. ساعتی که در آن نفس خود را محاسبه نماید؛ ۳. ساعتی که در آن در مورد احسان‌هایی که الله به او نموده است، تفکر کند؛ ۴. ساعتی که در آن با بهره‌های نفسانی حلال خود خلوت کند؛ که همانا این قسمت، کمکی است برای آن ساعات و استراحت و تفریح و فارغ نمودن برای قلب. در این روایت تصریح شده که بهره بردن از لذت‌های حلال سهمی در بهبود سایر فعالیت‌های انسان از جمله عبادت خداوند متعال دارد.

۵. ارزش‌سنجی فعل اخلاقی از جهت خود فعل (موقعیت فعل اخلاقی)

برای رسیدن به حکم اخلاقی، شناخت اهداف اخلاقی کافی نیست و به تحلیلی از فعل اخلاقی نیازمندیم. در زمینه ارزش فعل اخلاقی، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. برخی، افعال را به جهت خودشان فاقد ارزش اخلاقی می‌دانند؛ برخی برای آنها ارزش ذاتی و مطلق قائل‌اند و برخی برای افعال، ارزش اقتضائی در نظر می‌گیرند (قوشچی، بی‌تا، ص ۳۳۷-۳۴۰؛ حلی، ۱۴۲۵ق، ص ۴۱۷-۴۱۹). فارغ از نقد دلایل هر دیدگاه، معتقدیم که افعال به‌خودی‌خود تأثیرات و پیامدهایی دارند که می‌توان نسبت آنها را با هدف اخلاق سنجید.

نباید فراموش کرد که ارزش اخلاقی از نسبت نتایج فعل اختیاری با هدف اخلاق حکایت می‌کند. بنابراین نمی‌توان از ارزش اخلاقی یک فعل سخن گفت مگر اینکه نسبت آن فعل با هدف را در نظر گرفت و سنجید. در عین حال در پژوهشی متفاوت برای شناخت روش استنباط حکم اخلاقی، می‌توان فعل اخلاقی را تحلیل کرد. بدون شناخت فعل اخلاقی و ویژگی‌های آن، امکان استنباط حکم اخلاقی مربوط به آن موقعیت وجود ندارد و بدون شناخت فعل اخلاقی، موضوع گزاره اخلاقی قابل شناخت نیست. پژوهش در زمینه فعل اخلاقی، و به تعبیری آشکار کردن قیود موضوع در حکم اخلاقی در همین راستاست.

فعل اخلاقی در هر موقعیتی با توجه به شرایط تحقق، صفاتی خواهد یافت. گاهی تأثیرات آن صرفاً برای خود فرد است و گاهی به دیگران نیز سرایت می‌کند. تأثیرات پیشی، گرایشی و رفتاری، نزدیک‌ترین تأثیرات فعل بر فاعل‌اند و در مرتبه دیگر، تأثیر بر متعلقات و داشته‌های فرد است که قابل سنجش می‌باشد. از اتلاف و اسراف دارایی‌ها تا تولید خیرات بیشتر، همگی از ویژگی‌های فعل اختیاری‌اند.

۶. ارزش‌سنجی فعل اخلاقی از جهت نیت

نیت در لغت به معنای قصد انتقال از جایی به جای دیگر، قصد، عزم و توجه قلبی، و همچنین امر مقصود و جهت مقصود به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۳۹۳-۳۹۴). در واقع، نیت انگیزه‌ای آگاهانه است که از مقدمات اراده بوده و در فعل اختیاری تأثیر می‌گذارد (مصباح، بی‌تا، ص ۲۱). نیت را می‌توان از سنخ گرایش‌های انسانی دانست که با بینش و شناخت همراه است. برای سنجش یک عمل اخلاقی نمی‌توان به بررسی ماهیت عمل یا ویژگی‌های اهداف اخلاقی بسنده کرد. ارزش فعل اخلاقی، مشروط به نیت است و به همین جهت بررسی نیت در فهم ارزش عمل ضروری است (مجتبی مصباح، ۱۳۹۱).

نکته حائز اهمیت در نیت این است که متعلق آن همواره امری درونی است که فاعل آن را کمال خویش می‌داند و با نیت انجام فعل، قصد اکتساب آن را دارد. به تعبیر دقیق‌تر، متعلق نیت همان کمال مفروض در نزد فاعل است (همان). البته کمالی که فرد برای خود در نظر می‌گیرد، به لحاظ هستی‌شناسی قابل بررسی و

ارزش‌سنجی است. ارزش کمال مفروض، امری اخلاقی نیست؛ اما در سنجش ارزش اخلاقی قابل استفاده است. به این ترتیب که از طریق سنجش کمال خواسته شده با کمال نهایی، می‌توان ارزش اخلاقی نیت را احتساب کرد. ذکر این نکته لازم است که نیت انجام فعل در حکم اخلاقی تأثیر مستقیم دارد و با تغییر نیت، با حکم و گزاره اخلاقی متفاوتی مواجه خواهیم بود. برای مثال، هر دو گزاره ذیل درست‌اند: «خدمت به دیگران به نیت کسب رضای الهی نیکوست» و «کمک به دیگران به قصد منت‌گذاری بد است» تفاوت این دو حکم، در قیود موضوع این دو گزاره است که دو قید مربوط به نیت‌اند.

قابل ذکر است که نیت به‌تنهایی و فارغ از تحقق فعل نیز قابل ارزش‌سنجی اخلاقی است. به این ترتیب که گاهی فرد نیت عملی را دارد که شرایط تحقق بیرونی آن محقق نیست. باین‌حال، این نیت اگر نیکو باشد، نتایج و پیامدهای وجودی نیکویی برای او به همراه خواهد داشت؛ همچنان‌که ممکن است عملی با نیت خاصی تحقق یابد؛ اما در اثبات امکان ادامه آن عمل، تغییر کند یا اینکه عمل با نیت متفاوتی ادامه یابد که همه اینها در ارزش اخلاقی مؤثر است (همان).

تاکنون از نیت به‌عنوان یک عامل در سنجش ارزش اخلاقی بحث کردیم. با توجه به اینکه «نیت» امری درونی است، برای سنجش ارزش آن، از دو راه می‌توان بهره برد. درون‌کاوی توسط فاعل اخلاقی، راهی برای شناخت دقیق نیت است. گاهی جنبه‌های مختلفی از نیت از دید فاعل مخفی می‌ماند که با درون‌کاوی و تأمل در خطورات ذهنی و تمایلات قلبی می‌توان آن را آشکار کرد. روش دیگر برای شناسایی متعلق نیت، استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های روان‌شناختی است. یک مشاور اخلاقی با استفاده از مصاحبه‌های تشخیصی و پرسش‌های اکتشافی در کنار آزمون‌ها و تکنیک‌های روان‌شناختی می‌تواند متعلق نیت را کشف کرده، به مراجع خود کمک کند.

لازم به ذکر است که وظیفه اندیشمند اخلاقی در استنباط حکم اخلاقی را در سه دسته کلی می‌توان صورت‌بندی کرد: حل تعارضات و تراجمات عملی؛ تعیین وظیفه اخلاقی؛ و ارزیابی و تحلیل عملکردها (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۱). بنابراین، اندیشمند اخلاقی در استنباط حکم اخلاقی گاهی نگاهی پیشینی به عمل دارد و به دنبال ارائه فهرستی از الزامات اخلاقی است؛ و گاهی نگاهی پسینی به عمل دارد و درصدد ارزیابی یک عمل محقق شده است. در هر دو صورت، بررسی نیت انجام فعل، از ضروریات رسیدن به حکم اخلاقی است؛ زیرا همان‌طور که توضیح داده شد، نیت عمل، قیدی برای موضوع حکم اخلاقی قرار می‌گیرد.

۷. ارزش‌سنجی فعل اخلاقی به جهت گستره پیامدها

مکاتب نتیجه‌گرای اخلاقی را از یک جهت می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: مکاتب خودگرا و دیگرگرا (کرات، ۱۹۹۸، ص ۲۴۶-۲۴۸). مکاتب خودگرا معیار را خیر و منفعت فاعل می‌دانند، درحالی‌که مکاتب دیگرگرا خیر

دیگران را معیار قرار می‌دهند. (حسینی سورکی، ۱۳۸۵). خودگرایان بر این باورند که حتی رفتارهای خیرخواهانه نیز برای تأمین خوشایندهای درونی و لذت بردن از آنها انجام می‌گیرد (پوجمان، ۱۹۹۹، ص ۶۶)؛ درحالی که دیگرگرایان معتقدند عملی که برای خیر خود انجام شود خودخواهانه و غیراخلاقی است. فارغ از طرح و بررسی اقسام دیدگاه‌ها و استدلال‌هایشان در حوزه مکاتب اخلاقی، تلاش‌هایی صورت گرفته تا وجه جمعی بین خیر فاعل و خیر دیگران به‌وجود آورد. مکتب سودگرایی تلاشی در همین راستاست (بنتام، ۲۰۰۰، ص ۱۴) که با انتقاداتی نیز مواجه شده است. در اینجا به دنبال این هستیم که دیدگاه مورد قبول را دربارهٔ خیر و نفع دیگران بررسی کنیم تا شاخص و معیاری برای سنجش اخلاقی در اختیار باشد.

لازم به ذکر است که ارزش‌های اخلاقی، با توجه به هدف اخلاق که رسیدن به سعادت و کمالات انسانی است، نمی‌تواند از منافع و خیر فاعل غافل باشد و مثلاً ارزشی را الزام کند که به شقاوت فاعل منتهی گردد؛ زیرا چنین الزامی با هدف اخلاق در تعارض است. ارزش‌های اسلامی نیز بی‌تردید خواهان رسیدن فاعل به سعادت و فلاح و رستگاری هستند و راه رسیدن به این مطلوب را نشانگرند. مکتب اخلاقی اسلام در عین حال مسئلهٔ خیر دیگران را مورد توجه قرار داده است. توجه به خیر دیگران، یکی از عوامل مهم در رهیافت فاعل به سعادت و کمالات اخلاقی خویش است (مجتبی مصباح، ۱۹۹۸، ص ۲۰۶). همچنین در احتساب خیر دیگران معیارهایی برای سنجش قابل ارائه است. فردی که در جهت رفاه زندگی دیگران گام برمی‌دارد، قطعاً عمل شایسته‌ای انجام داده است؛ اما کسی که خیرات اخروی دیگران را فراهم می‌کند، خیر بیشتری به ایشان رسانده و فعلش بارزتر است. به همین جهت، کار انبیا و معلمان راه هدایت، بالاترین خیر را به‌همراه دارد. پیامبر اکرم ﷺ با اشاره به همین واقعیت، در توصیه‌ای به امیرمؤمنان علیؑ می‌فرماید: «لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ» (کلینی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۳۶)؛ اگر خداوند عزوجل با دستان تو کسی را هدایت کند، به‌طور حتم از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده، برایت بهتر است.

۸. ارزش‌سنجی فعل اخلاقی با توجه به اصول و قواعد عام و خاص مربوط به اجتماع

اجتماع انسانی برای بقا و ارتقا نیازمند به ضوابط و قواعدی است. همان‌طور که برخی از اعمال به تضعیف انسجام اجتماعی می‌انجامد، برخی از اعمال انسجام اجتماعی را بیشتر کرده، به اخلاقی بودن جامعه کمک می‌کند. عمل در چارچوب قواعد مطلوب اجتماعی، اخلاقی و پسندیده خواهد بود (احمدی امین، ۱۴۰۰، ص ۶۸). جامعهٔ مطلوب، کمالی اختیاری برای فرد به حساب نمی‌آید؛ لکن داشتن چنین جامعه‌ای بستری مناسب برای رشد اخلاقی خواهد بود و به این ترتیب، مطلوبیت اخلاقی پیدا می‌کند.

این بحث و بحث قبلی از این جهت مشترک‌اند که آثار اجتماعی فعل را مدنظر قرار می‌دهند و مربوط به رابطهٔ انسان با دیگران‌اند؛ در عین حال از دو حیثیت متفاوت به رابطهٔ اجتماعی توجه می‌کنند. در مورد قبلی به

میزان کمی و فراگیری خیرات فعل توجه شده؛ اما در اینجا به جامعه مطلوب به عنوان یک ساختار اجتماعی توجه شده است. قوام یک ساختار مطلوب، به رعایت ضوابط و قواعد عادلانه‌ای است که در اینجا مورد نظر ماست. هر دو پژوهش در استنباط حکم اخلاقی مؤثرند؛ اما هر یک حیثیت خاصی را مورد توجه قرار می‌دهند و اقتضائات متفاوتی دارند. برای توضیح تفاوت این دو معیار می‌توان از دو صفت احسان و عدل بهره برد. عمل محسانانه و عادلانه به جهت اخلاقی مثبت‌اند و هر دو در ارتباط با دیگران و جامعه‌اند. احسان نیکوست؛ زیرا خیری برای دیگران تأمین می‌کند و متناسب با فاعل خیرخواه است. عدل نیز نیکوست؛ زیرا جامعه‌ای مطلوب تأمین می‌کند و متناسب با فاعل عادل است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در بیان تفاوت عدل و احسان، عدل را به معنای انصاف، و احسان را به معنای نیکی و تفضل دانسته‌اند (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۲۳۱). رعایت انصاف به این است که در تنصیف و تقسیم خیرات، حق هر کسی به او داده شود و نیکی و تفضل، در اعطای خیرات مورد استحقاق خود به دیگران است. بنابراین از دو حیثیت می‌توان ارتباط با دیگران را در نظر گرفت. یکی از جهت گستره خیرات و اینکه افراد بیشتری از خیر بهره ببرند؛ و دیگری از جهت مطابقت فعل با قواعد و ضوابط عادلانه و مناسب با ساختار اجتماعی مطلوب. در بحث از گستره خیرات، انتقال منافع به دیگران مورد توجه است؛ اما در دیگری، توجه به قواعد و اصولی عادلانه است که همگی در مقابل آن برابر فرض می‌شوند و در عین حال مطلوب‌اند و معیاری برای شناسایی احکام اخلاقی به شمار می‌روند.

اصل عدالت اجتماعی را می‌توان در رأس اصول مطلوب اجتماعی دانست؛ اینکه هر فردی به حق خود برسد و به کسی در حقوق ظلمی نشود. عدالت، اصلی اخلاقی و دارای گستره‌ای وسیع است که این وسعت به دیدگاه‌های متعدد و مشتت انجامیده است (واعظی، ۱۳۹۳، ص ۲۳-۲۴). قواعد دیگری می‌توان یافت که ذیل اصل عدالت قابل طرح است و به بهسازی اجتماعی می‌انجامد. قواعد سیمین و زرین که در ادیان و مکاتب اخلاقی متعددی ارائه شده‌اند، چنین ویژگی‌ای دارند (ر.ک: سینگر، ۱۳۹۲، ص ۵۶). اصل آزادی‌های مشروع اجتماعی نیز این ویژگی را دارند.

اصول عام اخلاقی که بیانگر جامعه عادلانه و مطلوب‌اند وظایفی اجتماعی در اختیار می‌نهد که معیاری برای استدلال اخلاقی خواهند بود. رفتار اخلاقی نمی‌تواند در مقابل این قواعد اخلاقی باشند. رفتاری که عدالت اجتماعی را نقض و حتی را از کسی پایمال کند، نامطلوب است و رفتاری اخلاقی‌ای که این قواعد را نیز حفظ کند، مطلوبیت مضاعف می‌یابد.

علاوه بر اصول عام اخلاقی که در همه حوزه‌های اخلاق اجتماعی کاربرد دارند، می‌توان از قواعد و کدهایی سخن گفت که به یک حوزه فعالیت اجتماعی خاصی مربوط‌اند. حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، جنگ و قضا، تعلیم و تربیت و مواردی دیگر می‌توانند قواعدی اختصاصی داشته باشند که براساس آنها

استدلال اخلاقی شکل خواهد گرفت. برای مثال، از اصل عام عدالت اجتماعی، اصولی در حوزه‌های مختلف عدالت می‌توان استنتاج کرد که هر کدام اقتضای خود را دارند. عدالت تصحیحی، عدالت جبرانی و عدالت توزیعی، از جمله این مواردند (ارسطو، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲).

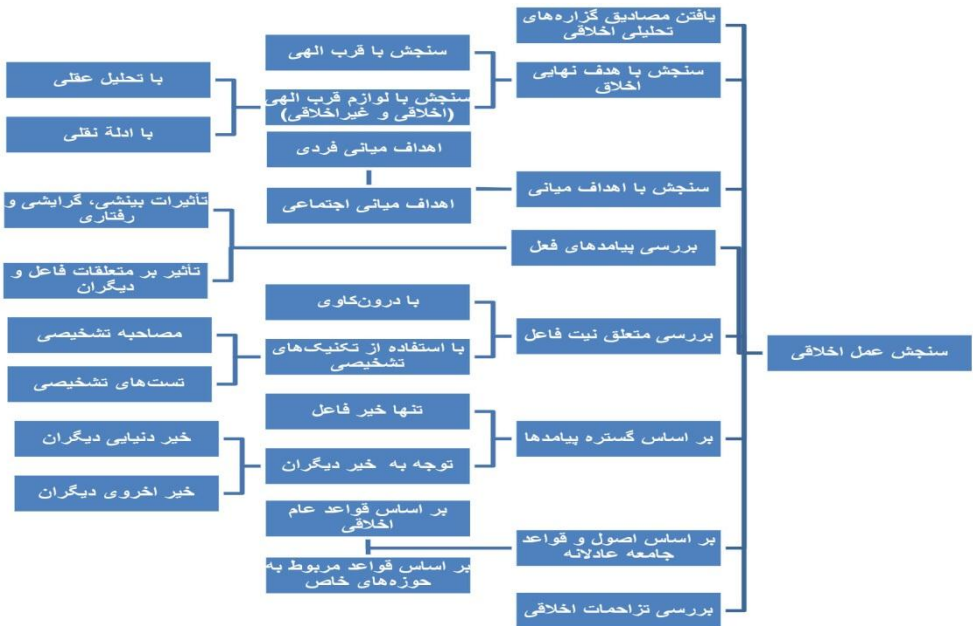
۹. ارزش‌سنجی فعل اخلاقی در تراحمات اخلاقی

همه استدلال‌های اخلاقی نیازمند یک گام نهایی‌اند تا مطابق آن به تراحمات اخلاقی ممکن پرداخته شود. تراحم اخلاقی به معنای عدم امکان امتثال دو یا چند الزام اخلاقی در زمان واحد است (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۴). ممکن است فعلی در سنجش اخلاقی مثلاً +۱۰ امتیاز داشته باشد، اما همین فعل در موقعیت‌های مختلف و در اثر تراحم با افعال دیگر، ارزشش کم یا زیاد شود و حتی فاقد ارزش یا دارای ارزش منفی گردد (ر.ک: مصباح، ۱۳۸۵، ص ۵۴). کمک به دیگران را که مصداق خیرخواهی و عملی ارزشمند است، فرض بگیرید. این عمل می‌تواند در شرایط خاصی ضد ارزش تلقی شود. کمک به دیگران با فرض آسیب زدن به افرادی دیگر، یا تراحم با الزامی مهم‌تر، یا وجود افرادی نیازمندتر و مانند آن، ممکن است ارزش خود را از دست بدهد. تحقق تراحمات، اندیشمند اخلاقی را ملزم به سنجش اهمیت گزینه‌های متراحم می‌کند تا فرایند استدلال کامل گردد و وظیفه اخلاقی شناسایی شود.

در کتاب‌های اصولی و اخلاقی، بحث تراحم احکام طرح شده و ما به ذکر دو دیدگاه اکتفا می‌کنیم. مرحوم مظفر شاخص‌های تشخیص اولویت در تراحمات را به این شکل بیان می‌کند: ۱. اهمیت اساس اسلام؛ ۲. تقدم حق الناس بر تکالیف اختصاصی؛ ۳. تقدم جان و ناموس بر دیگر امور؛ ۴. تقدم رکن در عبادت بر غیر رکن؛ ۵. تقدم دروغ مصلحت‌دار بر راست فتنه‌انگیز؛ ۶. تقدم الزامی که بدل دارد بر الزامی که بدل ندارد؛ ۷. تقدم الزام با زمان محدود در مقابل الزامی که زمانی فراخ‌تر دارد؛ ۸. تقدم الزامی که زمان مختص دارد بر غیر آن؛ ۹. تقدم الزامی که مشروط به قدرت شرعی نیست بر الزامی که چنین شرطی ندارد؛ ۱۰. الزامی که به جهت زمان بر دیگری تقدم دارد (مظفر، ۱۴۲۴ق، ص ۱۲۵-۱۲۷).

در یک تحقیق دیگر، به هفت شاخصه برای شناسایی اهم در تراحمات اخلاقی اشاره شده که عبارت‌اند از: ۱. درجه‌بندی مصالح الف. تقدیم مصلحت به اعتبار تقدم و تأخر؛ ب. تقسیم مصلحت بر پایه دامنه شمول افراد؛ ج. تقسیم مصلحت به دنیوی و اخروی؛ د. تقسیم مصلحت بر پایه اعتبار شرعی ۲. درجه‌بندی براساس احکام تکلیفی؛ ۳. درجه‌بندی براساس انواع واجب و حرام؛ ۴. تطبیق با اهداف کلی و اصول اخلاق؛ ۵. تقدیم امر اضطراری بر امر عادی؛ ۶. تقدیم امر محتمل‌الاهمیه؛ ۷. تقدیم براساس برخی خصوصیات خاص اخلاقی هر یک از طرفین (رضوانی، ۱۳۹۲).

با توجه به معیارهای ارائه شده در جهت استنباط حکم اخلاقی، می‌توان نموداری ارائه داد. بررسی‌های همه‌جانبه در استدلال اخلاقی، اطمینان بیشتری بر صحت استدلال فراهم می‌کند.



نتیجه‌گیری

حکم اخلاقی، بیان‌کننده رابطه واقعی فعل و اثر آن در مقایسه با هدف اخلاق است. برای یافتن روش شناخت چنین واقعیتهایی - که از نوعی نسبت‌سنجی قابل انتزاع است - لازم است تمام مؤلفه‌های مؤثر در این نسبت به‌خوبی احصا شوند و شیوه استدلال براساس هر مؤلفه روشن گردد. مؤلفه هدف نهایی اخلاق و ویژگی‌های آن در استنباط حکم اخلاقی بسیار مؤثر است؛ از این رو سنجش پیامدهای یک عمل با هدف نهایی و لوازم آن، روشی برای رسیدن به حکم اخلاقی است. اهداف میانی که تأمین‌کننده نیازهای انسان در مسیر رشد او هستند نیز می‌توانند به‌عنوان معیار سنجش قرار گیرند؛ با این ملاحظه که ارزش آنها مطلق نیست و به اندازه‌ای که برای رسیدن به هدف نهایی لازم‌اند باید اکتساب شوند. تحلیل خود فعل نیز در استدلال اخلاقی مؤثر است؛ هر فعلی ویژگی‌ها و پیامدهایی دارد که روشن شدن این پیامدها مقدمه سنجش آنها با اهداف اخلاقی خواهد بود. نیت فاعل، عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در استنباط حکم اخلاقی است. نیت فرد به ارزش متعلق آن می‌باشد. نیت، امری درونی است و به‌سادگی قابل سنجش نیست. درون‌نگری توسط هر فرد و روش‌های تشخیصی توسط اندیشمند اخلاقی که با روان‌شناسی آشنایی دارد، روشی دیگر در سنجش ارزش نیت فرد است. گستره پیامدهای افعال، یکسان نیست و گاهی مختص فاعل است و گاهی شامل افراد بیشتری می‌شود و بالتبع، کمالات بیشتری را برای فاعل اخلاقی به‌همراه دارد. نکته دیگر اینکه انسان عموماً منفک از زندگی اجتماعی نیست و زیست جمعی بدون ضوابط و قواعد ارزشی سامان نمی‌یابد. توجه به قواعد عام و خاص اجتماعی، معیاری دیگر در تعیین ارزش اخلاقی است و نهایتاً پس از همه این بررسی‌ها لازم است تراحمات اخلاقی بررسی شده و اولویت‌ها تشخیص داده شوند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۷، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- احمدی امین، علی، ۱۴۰۰، *اخلاق کاربردی*، قم، هاجر.
- ارسطو، ۱۳۷۸، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، *جستارهایی در اخلاق کاربردی*، قم، دانشگاه قم.
- حسینی سورکی، محمد، ۱۳۸۵، «بررسی و نقد نظریه خودگرایی اخلاقی»، *پژوهش های فلسفی - کلامی*، ش ۲۹، ص ۱۸۷-۲۲۲.
- حلی، حسن بن یوسف مطهر، ۱۴۲۵ق، *انوار الملکوت فی شرح الباقوت*، تحقیق محمد نجمی زنجانی، قم، شریف الرضی.
- رضوانی، علی، ۱۳۹۲، «شاخص های تقدیم اهم بر مهم در تراجم های اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، سال چهارم، ش ۱، ص ۵-۱۸.
- زادیوسفی، امیرحسن و داود حسینی، ۱۳۹۲ «تعریف قضایای تحلیلی از منظر محمدتقی مصباح یزدی»، *حکمت معاصر*، سال چهارم، ش ۳، ص ۶۱-۸۰.
- سالیوان، راجر، ۱۳۸۰، *اخلاق در فلسفه کانت*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، طرح نو.
- سینگر، مارکوس، ۱۳۹۲، «قاعده زرین»، ترجمه زهرا غلامرضایی، *اطلاعات حکمت و معرفت*، سال هشتم، ش ۵، ص ۵۶-۵۷.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۱، *جزوه درسی اخلاق کاربردی*، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- شکوری، مجتبی و همکاران، ۱۳۹۹، «بازنگری هرم مازلو در مقایسه با مدل قرآنی نیازهای انسانی براساس گونه شناسی جزاهای اخروی»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال هفدهم، ش ۲، ص ۶۵-۱۰۶.
- صدوق، محمد، ۱۳۶۱، *معانی الأخبار*، قم، جامعه مدرسین.
- فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۸۹، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، طه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۵ق، *العین*، قم، هجرت.
- قوشچی، علاءالدین، بی تا، *شرح تجرید العقائد*، قم، شریف الرضی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۴، *اصول کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- لاهیجی، عبدالرزاق، ۱۳۶۴، *سرمایه ایمان در اصول اعتقادات*، تصحیح صادق آملی لاریجانی، تهران، الزهراء.
- مازلو، آبراهام. اچ، ۱۳۷۲، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مروتی، سهراب و همکاران، ۱۳۹۲، «نقد و بررسی سلسله مراتبی بودن نیازهای انسان در نظریه مازلو با رویکردی بر آیات قرآن کریم»، *پژوهش های علم و دین*، سال چهارم، ش ۲، ص ۱۲۹-۱۴۶.
- مصباح، مجتبی، ۱۳۸۵، *بنیاد اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۹۱، «نقش نیت در ارزش اخلاقی»، *اخلاق و حیاتی*، سال اول، ش ۲، ص ۸۰-۱۰۴.
- _____، ۱۳۹۸، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۳، *دروس فلسفه اخلاق*، چ سوم، تهران، اطلاعات.
- _____، ۱۳۸۰، *چکیده ای از اندیشه های بنیادین اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۹۱، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____، بی تا، *کلمه حول فلسفه الأخلاق*، قم، دراه حق.
- مظفر، محمدرضا، ۱۴۲۴ق، *اصول فقه*، قم، جهان.
- مور، جورج ادوار، ۱۳۸۸، *مبانی اخلاق*، ترجمه غلامحسین توکلی و علی عسگری یزدی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- واعظی، احمد، ۱۳۹۳، *نقد و بررسی نظریه های عدالت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- Bentham, Jeremy, 2000, *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*, Kitcheners, Batches Book.
- Kraut, Richard, 1998, "Egoism and Altruism", *Rutledge Encyclopedia of Philosophy edited by Edward Craig*, London, Rutledge, V. 3, p. 240-248.
- Pojman L.P, 1999, *Ethics Discovering Right and Wrong*, Wadsworth publishing company, U.S.A.